

**An Analysis of the Economic Situation of the Borders During the Rule
of the Rulers of Al-Buwayh in the Fourth Century AH
(Case Study: Baghdad)**

Fatemeh Akhravi, PhD Candidate in History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.– Shahrbanoo Delbari¹, Assistant Professor in History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran– Tahereh Azimzadeh, Associate Professor in History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Received: 26, December, 2020 Accepted: 30, April, 2021

Abstract

The economy of Baghdad in the period before the arrival of Al-Buwayh was weak due to the policies of the Abbasid caliphs and their weakness and lack of support for development and economic affairs. The city of Baghdad was in ruins and huge taxes were levied on the people, which caused dissatisfaction among the people. Given some of the barriers to Iran's relationship with neighboring countries, including Iraq, the need for proper communication with an emphasis on border interactions seems necessary considering the proximity of the two countries. Iraq is one of the most important border countries with Iran. Therefore, the relations between the two countries have been economically important. The reign of Al-Buwayh, the Iranian caliph, over Baghdad is significant because some of the Buwayhid emirs, such as Mu'izz al-Dawla, Izz al-Dawla, and Azd al-Dawla, had an impact on the economy and the welfare of society in Baghdad. The research method is descriptive-analytical. The main question of this research is whether the neighborhood and borders had an effect on the economic growth of Baghdad during the Al-Buwayh period and consequently the growth of trade and commerce. The results of this study show that the secure position of the borders during the Al-Buwayh era for trade caravans has effects on the economic growth of countries and trade caravans. In this regard, the rulers also built dams, bridges, civil engineering, and secured roads to facilitate the movement of trade and commercial caravans, which this study addresses.

Keywords: Border areas, Baghdad, Al-Buwayh, Economy.

¹. (Corresponding Author).

Email : tarikh2003@yahoo.com

تحلیلی بر وضعیت اقتصادی مرزها در دوران تسلط حکمرانان آل بویه در قرن چهارم هجری مطالعه موردی: بغداد

فاطمه اخروی - دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

شهربانو دلبری^۱ - استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

طاهره عظیم زاده - دانشیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۵

چکیده

اقتصاد بغداد در دوران قبل از ورود آل بویه با توجه به سیاست‌های خلفای عباسی و ضعف و عدم حمایت آن‌ها از عمران و امور اقتصادی ضعیف بود. شهر بغداد رو به ویرانی و مالیات‌های هنگفتی از مردم می‌گرفتند که باعث نارضایتی مردم بود. با توجه به برخی موانع موجود در رابطه با ارتباط ایران با کشورهای هم‌جوار از جمله عراق لزوم ارتباط‌های مناسب با تأکید بر تعاملات مرزی با توجه به نزدیکی این دو کشور با هم ضروری به نظر می‌رسد. عراق یکی از مهم‌ترین کشورهای مرزی هم‌جوار با ایران است. از این رو ارتباط‌هایی میان این دو کشور از نظر اقتصادی دارای اهمیت بوده است. دوران تسلط آل بویه، خلفای ایرانی، بر بغداد از آن جهت حائز اهمیت است که برخی از امیران بویه همچون معزالدوله، عزالدوله و عضدالدوله در بغداد بر اقتصاد و افزایش سطح رفاه جامعه تأثیر داشته است. روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. پرسش اصلی این تحقیق مبنی بر این مطلب است که آیا هم‌جواری و مرزها تأثیری در رشد اقتصادی بغداد در دوران آل بویه و به تبع آن رشد بازرگانی و دادوستد را داشته است؟ نتایج این بررسی نشان می‌دهد که موقعیت امن بودن مرزها در دوران آل بویه برای کاروان‌های تجاری تأثیراتی بر رشد اقتصادی کشورها و کاروان‌های تجاری را دارد. همچنین حاکمان در این راستا به سدسازی، پل‌سازی، عمران و صنعت و امنیت بخشیدن به راه‌ها جهت تسهیل در روند رفت و آمد کاروان‌های تجاری و بازرگانی پرداختند که این پژوهش به آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: مناطق مرزی، بغداد، آل بویه، اقتصاد.

مقدمه

نابسامانی‌های گوناگون دستگاه حکومت عباسی، خلع خلفا و وزیران، وضع خودسرانه ترکان و مشاجرات میان فرقه‌ها و مذاهب کلامی، همه راه را برای ظهور تغییرات سیاسی هموار کرد. اختلافات درونی عباسیان سبب تحریک آل بویه به سمت بغداد گردید. ابو عبدالله بریدی پس از اختلاف با بجکم به تشویق معزالدوله برای حمله به بغداد پرداخت. علی‌رغم شکست اولیه در اهواز با رسیدن قوای کمکی و بهره‌گیری از اختلافات خلیفه و ترکان موفق به تصرف مرکز خلافت گردید (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵۴۲/۸-۵۴۳). اگرچه با ورود طغرل به بغداد در سال ۴۴۷ هـ و سقوط خاندان آل بویه، شیعیان در تنگنای مجدد قرار گرفتند، ولی هسته تشکل اجتماعی شیعیان چنان مستحکم شده بود که بی‌نقش کردن آنان در مسائل اجتماعی و فرهنگی غیرممکن می‌نمود. در سال ۳۳۴ هـ احمد بن بویه پس از خروج ترکان از آنجا وارد بغداد شد. خلیفه مستکفی از او استقبال کرد. برای او جشن گرفت و او را به‌عنوان امیر الامرا تعیین و معزالدوله نامید (ابن خلدون، ۱۳۶۰: ۶۵۴/۲-۶۵۳). با تسلط آل بویه بر بغداد، موقعیت خلفای عباسی کاملاً متزلزل شد. عملکردها، اندیشه‌های متفاوت و میزان قدرت امیران آل بویه، جایگاه خلفای عباسی را در طول حکومت آن‌ها تعیین می‌کرد. در مرحله اول، با ورود معزالدوله به بغداد، اقتدار معنوی و دنیوی خلفای عباسی کاملاً محدود گردید. این امر با روی کار آمدن عزالدوله که درباره مذهب تشیع متعصب‌تر می‌نمود، تشدید گردید. در مرحله دوم، عضدالدوله سعی داشت در روابط خویش با خلیفه، موضع معتدل‌تری در پیش گیرد، ضمن آن‌که اندیشه دست‌یابی به مقام معنوی خلافت و جمع آن با قدرت دنیوی امیران و پادشاهان ایرانی را در سر می‌پروراند. (ابن جوزی، ۱۳۴۲: ۲۹۱/۱۴) در مرحله سوم، جانشینان عضدالدوله، خود دچار ضعف شدند و مشکلات داخلی حکومت آل بویه، آنان را از بغداد و خلفای عباسی غافل نمود و خلفا با توسل به قدرت‌های موازی و رقیب آل بویه، در صدد برآمدند تا اقتدار معنوی و دنیوی پیشین را بازگیرند. در دوره حکومت آل بویه بر بغداد، پنج خلیفه عباسی در بغداد به‌ظاهر قدرت را در اختیار داشتند، آنان عبارت بودند: المستکفی (۳۳۴-۳۳۳ هـ)، المطیع

(۳۶۳- ۳۳۴ هـ)، الطائع (۳۸۱- ۳۶۳ هـ)، القادر (۳۸۱- ۴۲۲ هـ) و القائم (۴۶۷-۴۴۲ هـ) که این خلیفه تا زمان ورود سلجوقیان بر مسند خلافت باقی بود. بعد از ورود آل بویه به بغداد فروپاشی آن‌ها با زوال عصیبت خاندانی، اولین نشانه‌های زوال عصیبت در دوران، پس از معزالدوله بود. بختیار دیلمی ملقب به عزالدوله (۳۵۶-۳۶۷ هـ) فرزند معزالدوله دیلمی از فرمانروایان آل بویه در بغداد بوده است (فرای، ۱۳۸۰: ۲۳۰/۴). وی در ۳۵۶ هـ، از خلیفه المطیع لله لقب عزالدوله گرفت و در همان سال جانشین پدرش شد و تا سال ۳۶۷ هـ بر بیشتر قلمرو پدر، البته به جز عمان و کرمان که عضدالدوله دیلمی تصرف کرده بود، حکومت کرد. دوران حکومت او بیشتر یا صرف کشمکش با حمدانیان، فاطمیان، بیزانس در شمال و عضدالدوله، و یا شاهد درگیری قومی- مذهبی در داخل، که شامل ترکان سنی و دیلمیان شیعی بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۴۲/۹). از مشکلات اصلی عزالدوله می‌توان به ضعف اقتصادی و تهی بودن خزانه اشاره کرد که مسئله همیشگی شورش سپاهیان بود. عزالدوله سیاستمدار با درایت نبود. ولی در عین حال، به علم و علما و برگزاری مجالس علمی نیز علاقه‌مند بود، به طوری که در زمان و کالت ابن بقیه، سالانه ده هزار درهم به او می‌داد تا نویسندگان را یاری دهد و کتاب تهیه کند (فرای، ۱۳۸۰: ۲۳۰/۴). اختلافات عزالدوله با عضدالدوله و بقیه خاندان آل بویه و همچنین قدرت‌گیری مجدد ترکان نیز از دیگر موارد بود. در سال ۳۶۷ هـ به جهت اختلافی که بین عضدالدوله و عزالدوله بختیار فرزند احمد معزالدوله حاکم بویه بغداد پیدا شد، عضدالدوله به بغداد حمله کرد و حکومت عزالدوله را سرنگون کرد و عراق را نیز به قلمرو حکومت خود اضافه نمود (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۴۵۴/۶-۴۵۲). پس از تسلط عضدالدوله بر بغداد، خلیفه عباسی، الطائع بالله، دستور داد هر روز هنگام نمازهای صبح، مغرب و عشاء، در مقابل خانه و محل سکونت عضدالدوله تشریفات حکومتی اجرا شده و طبل‌ها را به صدا درآورده و نقاره بکوبند. همچنین دستور داد که از آن‌پس، بر منبرها بعد از دعا برای خلیفه، برای عضدالدوله نیز دعا کنند. پس از اشغال بغداد توسط عضدالدوله دیلمی، به جهت جنگ‌هایی که بین وی و عزالدوله صورت گرفته بود، خرابی‌ها و ویرانی‌های بسیاری در آن شهر به وجود آمد (ابن مسکویه، ۱۳۷۹:

۴۸۷). عضدالدوله در سال ۳۶۹ هـ دستور داد تا خرابی‌ها و ویرانی‌ها بازسازی شوند. به همین جهت مسجد جامع این شهر را بازسازی کرد و به کسانی که توانایی نوسازی خانه خود را نداشتند، وام پرداخت می‌کرد (ابن عبری، ۱۹۵۸: ۲۳۸). در این دوره برخی از امیران بویه همچون معزالدوله، عزالدوله و عضدالدوله نسبت به دیگر امیران آل بویه توجه و اهمیت بیشتری به اقتصاد و افزایش سطح رفاه و آبادانی مردم و جامعه داشتند. توجه به بهبود وضعیت اقتصادی و زندگی مردم، بهره‌برداری بیشتر از محصولات کشاورزی و ساخت صنایع دستی همچون منسوجات افزایش یافت (مستوفی، ۱۳۸۸: ۷۳). همچنین می‌توان این گونه بیان کرد که استقلال بغداد از یک سو و امنیت و آرامش نسبی آن از سوی دیگر که در ابتدای روی کار بودن خاندان آل بویه شیعه در عراق حاکم بود، باعث گردید که عراق طی قرون چهارم و پنجم هـ دارای اقتصادی نیرومند شود (زیدان، ۱۳۳۶: ۳۸۳). چرا که باید گفت بازسازی اقتصاد، تجارت و بازرگانی بدون استقلال سیاسی مقدور نیست و توفیق اقتصادی و سیاسی هر ملت به آرامش، امنیت اجتماعی و استقلال سیاسی وابسته است که برخی از حاکمان آل بویه تا حدودی به این امر توجه کرده بودند (مقدسی، ۱۹۰۶: ۱۵۷/۱). هدف پژوهش واکاوی بن‌مایه‌های اقتصادی در بغداد، دوران آل بویه و بررسی نوگرایی‌های اقتصادی آل بویه و تأثیر آن بر اقتصاد بغداد می‌باشد.

همچنین این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالات است که:

❖ هم‌جواری و مرزها چه تأثیری بر رشد اقتصادی بغداد در دوران آل بویه داشته است؟

❖ چه عواملی در رشد اقتصادی مانند کشاورزی، بازرگانی و دادوستد تأثیر دارد؟

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه پژوهش باید گفت که در این زمینه فیض‌الله زاده (۱۳۸۶) تحقیقی در مورد احوال و اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی در دوران آل بویه از دیدگاه مورخان و نویسندگان عرب دارد که در این مقاله اشاره‌ای به اقتصاد نشده است. در مقاله محمد احمد (۱۴۲۷ ق) تحت عنوان مظاهر الحیاه الاجتماعیه فی بغداد و خراسان فی عهد البویهیین فی القرنین الرابع و الخامس الهجریین فی الفتره ۳۳۴-۴۴۷ هـ/ ۹۴۵-۱۰۵۵ م به روابط آل بویه و

بغداد در بعد اجتماعی پرداخته است و در مورد اوضاع اقتصادی مطلب ندارد. مقاله‌ای توسط آقایان محمدرضا جباری و سید محمد احسانی (۱۳۸۹) تحت عنوان اوضاع اقتصادی شیعیان عراق در عصر صادقین علیهما السلام است که فقط به اوضاع اقتصادی شیعیان در زمان دو امام باقر و صادق علیهما السلام پرداخته است. خلعتبری و طباطبایی (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان بررسی روابط حکومت آل بویه و خلافت عباسی با تکیه بر جریان استقلال‌طلبی ایرانیان به رشته تحریر درآورده‌اند که در این جستار در بعد اقتصادی مطلبی جمع‌آوری نگردیده است. خسرو بیگی و جلیلیان (۱۳۹۲) نقش آل بویه در تعمیق فرهنگ شیعی (مطالعه موردی: آداب و رسوم مذهبی) تنها به نقش آل بویه در ایران اشاره کرده‌اند و در مورد ارتباط آل بویه با بغداد مطلبی عنوان نکردند. اکبری (۲۰۱۴) مقاله‌ای را در مورد روابط ایران و عراق در عصر پهلوی دارد که فقط به روابط اقتصادی این دوران پرداخته است. یحیایی، کجاف و اللهیاری تحقیقی تحت عنوان تأثیر اوضاع سرزمین دیلم و علویان طبرستان بر ظهور آل بویه با تأکید بر پیش‌زمینه‌های اقتصادی دارند که در این مقاله به اقتصاد بغداد اشاره‌ای نکرده‌اند. قاسم پور و اروجی نیک آبادی (۱۳۹۳) در مقاله جایگاه آل بریدی در مناسبات سیاسی آل بویه و خلافت عباسی پیش از فتح بغداد (۳۲۸-۳۳۴ ق) به دوران قبل از ورود آل بویه به بغداد اشاره کرده است. همچنین از مرضیه پروندی (۱۳۹۴) مقاله‌ای تحت عنوان مشاغل و مناصب شیعیان در قرن‌های سوم تا ششم هجری موجود است. البته مقاله حاضر تنها به دوره آل بویه پرداخته است. درحالی‌که این تحقیق به بررسی مقایسه‌ای اقتصاد بغداد در دوران تسلط حکمرانان آل بویه نسبت به دوره قبل از ورود معزالدوله به بغداد پرداخته است. همچنین آزموده (۱۳۹۵) در بررسی نقش آل بویه در گسترش فرهنگ شیعی اثنی عشری که تنها در مقاله خود به مذهب پرداخته است. اکبری و یاری (۱۳۹۵) در مقاله نقش رودخانه‌های مرزی در روابط ایران و عراق از دوره پهلوی تا آغاز جنگ تحمیلی (مطالعه موردی: گنگیر و کنجان چم در استان ایلام) تنها از دوران قاجار مطلب دارد و به آل بویه نپرداخته است. صادقی و مارابی (۱۳۹۵) ایران - عراق: چشم‌اندازی بر راهبردی شدن مناسبات دوجانبه دارد که مربوط به مسائل سیاسی - امنیتی

ایران همچون حفظ امنیت، تمامیت ارضی است و بیشتر به مسائل سیاسی پرداخته تا این که اقتصادی باشد. محسنی و بارکوسرایبی (۲۰۱۹) مقاله‌ای با عنوان بررسی فرصت‌ها و موانع پیش روی توسعه در مناطق مرزی کشور ایران با عراق دارد که تنها مربوط به سال ۲۰۰۳ است و دوران قبل را بررسی نکرده است. تاکنون پژوهشی که در آن به نقش هم‌جواری و مرزها در زمینه رشد اقتصاد بغداد بررسی شده باشد، انجام نگرفته است. در راستای اقتصاد عراق، به صورت مستقل، پژوهش‌های انجام گرفته که در راستای موضوع این مقاله نمی‌باشد. در هیچ پژوهشی، اقتصاد بغداد در دوره آل بویه توأماً و یا حتی به صورت مجزا، بررسی نشده است.

مبانی نظری

اقتصاد اسلامی، نشان می‌دهد که اسلام، نظام اقتصادی مبتنی بر شریعت ارائه می‌دهد که از احکام ارزشی شایسته برای تنظیم حیات اقتصادی جامعه تشکیل یافته است؛ اما افزون بر این، قرآن کریم، سنت شریف نبوی و نتایج معارف متکی بر آن‌ها مجموعه‌ای از متغیرها، پیش فرض‌ها و مقولات اقتصادی وصفی را نیز در اختیار ما می‌گذارند که باید از آن‌ها در کنار مشاهده، تجربه و استنتاج منطقی صورت گرفته به وسیله مسلمانان و غیرمسلمانان، برای تجزیه و تحلیل و تفسیر واقعیت‌های اقتصادی جامعه استفاده شود؛ بنابراین، علم اقتصاد اسلامی از دو بخش اصلی تشکیل می‌شود: اول، مکتب یا نظام اقتصادی اسلام و دوم، تجزیه و تحلیل اقتصادی اسلامی. بخش اول بیش تر جنبه ارزشی دارد و به این موضوع می‌پردازد که بر مبنای اسلام، حیات اقتصادی جامعه باید چگونه باشد. افزون بر این، بخش اول به توضیح حکمت اقتصادی احکام شرعی با استفاده از تحلیل اقتصادی اسلامی (بخش دوم) نیز می‌پردازد؛ اما بخش دوم، یعنی تجزیه و تحلیل اقتصادی اسلامی، به تجزیه و تحلیل و تفسیر رفتار مؤسسات و رویدادهای اقتصادی جوامع (اسلامی و غیر اسلامی) و شناخت اسباب و نتایج آن‌ها می‌پردازد. این بخش، همچنین، با استفاده از قواعد نظام اقتصادی اسلام به تدوین سیاست‌ها و راه‌حل‌های اسلامی برای مشکلات اقتصادی می‌پردازد.

(الزرقا، زراءنژاد، ۱۳۸۳: ۱۶۴). همچنین تلاشی که در زمینه‌های اقتصادی به‌عنوان مثال در بعد کشاورزی، دامداری، تجاری، صنایع دستی است. (کیسی، ۱۴۱۰ ق: ۷-۸)

پرسکات معتقد است که خطوط مرزی بر رفتار انسان‌ها و دولت‌های پیرامون خود تأثیر می‌گذارد و وضعیت مرز نوع رفتار انسان‌ها و دولت‌ها را تعیین می‌کند. دولت‌ها نیز در مقابل بر رفتار و کارکرد مرز تأثیر می‌گذارند. (پرسکات، ۱۳۵۸: ۶۵) آخرین حد قلمرو زمینی، دریایی، هوایی و زیرزمینی هر کشور را مرز آن کشور است. (بلاکسل، ۱۳۸۹: ۱۸۴) نقش مرزها متناسب با زمان تغییر می‌کند. این نقش‌ها می‌تواند به شکل اقتصادی، نظامی و یا دفاعی باشد. مرزهای زمینی و دریایی ایران با عراق نیز در امر اقتصادی تأثیراتی را داشت. پس از اسلام شهر بغداد به‌عنوان پایتخت کشور مرزی عراق با ایران دارای اهمیت بود. دوران تسلط معزالدوله در سال ۳۳۴ هـ بر عراق و به تبع آن بغداد، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دوران تاریخی کشور عراق در قرن چهارم و پنجم هـ از نظر تکاپوهای اقتصادی بود. در این دوره برخی از امیران بویه همچون معزالدوله و عضدالدوله نسبت به دیگر امیران آل‌بویه توجه و اهمیت بیشتری به اقتصاد و افزایش سطح رفاه و آبادانی مردم و جامعه داشتند و در این راستا نیز به سدسازی، پل‌سازی، عمران و آبادانی بازارها و کاروان‌سراها و امنیت بخشیدن به راه‌ها جهت تسهیل در روند رفت‌وآمد کاروان‌های تجاری و بازرگانی پرداختند. در این راستا امنیت‌های ایجادشده مرزی بر این امر نیز تأثیرگذار بود. (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۳۶۷/۶).

روش پژوهش

با توجه به اینکه این تحقیق بر اساس توصیفی -تحلیل و روش تاریخی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. لذا در انجام آن از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. برای این کار سعی شده است که منابع معتبر و مرجع مربوط به دوران آل‌بویه شناسایی و مطالعه گردند. این منابع شامل کتاب و مقالاتی می‌باشند که در کتابخانه به صورت چاپی و یا در محیط‌های کتابخانه‌ای به صورت دیجیتال وجود دارند.

بحث و یافته‌ها

حملات آل بویه به مرزهای عراق

احمد معزالدوله از مشهورترین حاکمان آل بویه است. وی ضمن یک سلسله اقدامات نظامی و سیاسی که به همراه برادرانش انجام داد پس از فتح کرمان و جنوب ایران در سال ۳۳۲ هـ به مرزهای عراق حمله کرد، اما در شهر واسط به سختی از سپاه خلیفه شکست خورد و به سوی شوش بازگشت. اما از این هزیمت ناامید نشد و با بازسازی سپاهش، دوباره حملات خود را به مرزهای عراق انجام داد. او این بار به قصد تصرف بغداد با سپاهی بزرگ از اهواز روانه شد. لشکرکشی وی آنچنان سریع بود که ترکان و دیلمیان حاضر در سپاه خلیفه با شنیدن این لشکرکشی به سوی موصل گریختند. «المستکفی بالله» خلیفه عباسی به همراه کاتب خود ابن شیرزاد تنها مانده بودند و نتوانستند کاری از پیش ببرند. احمد دیلمی که به درستی ناتوانی خلیفه را در دفاع از خویش دریافته بود با زیرکی و با اعزام ابو محمد مهلبی نزد خلیفه از بروز جنگ و کشتار جلوگیری کرد. در نهایت احمد بویه در سال ۳۳۴ هـ از دروازه شماسیه به بغداد وارد شد و بلافاصله نزد خلیفه رفت و با او بیعت کرد. در پی این اقدام، خلیفه به احمد خلعت پوشانید و او را به معزالدوله ملقب ساخت و دو برادر دیگرش علی را عمادالدوله و حسن را رکن الدوله خواند و القاب این سه برادر را بر درهم و دینارها ضرب کرد. پس از آنکه معزالدوله صاحب اختیار بغداد گردید، دست به اقدامی شگفت زد و برای خلیفه المستکفی بالله حقوقی تعیین کرده تمام اختیارات قبلی را از او سلب و فقط به ذکر نام خلیفه در خطبه بسنده کرد، وزیر خلیفه و قضات را خودش تعیین می کرد. سرانجام پس از درگیری‌های بسیار معزالدوله در سال ۳۳۴ هـ المستکفی را از خلافت خلع و به جای او فضل فرزند المقتدر (خلیفه) را با لقب المطیع لله به خلافت برگزید و برایش روزانه ده هزار درهم مقرری قرار داد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵۴۲/۸-۵۴۳)

معزالدوله بعد از حملات موفق خود به مرزهای عراق و ایجاد حکومت در پایتخت آن بغداد به فعالیت‌هایی مانند رشد اقتصادی برای پیشبرد اهداف خود پرداخت. در این قسمت به بررسی سیاست‌ها و روش‌هایی که خلفای آل بویه در قلمرو خود برای رشد اقتصادی در

بغداد در دوره روی کار بودنشان در دولت اتخاذ می کردند، پرداخته می شود. زیرا که این روش ها موجب ترقی و پیشرفت حکومت و مملکت در زمینه های اقتصادی می گردید.

اقتصاد بغداد مقارن و قبل از دوره معزالدوله

در اوایل قرن چهارم هـ سرزمین های کمی متعلق به خلفای عباسی بود و بیشتر در اختیار حاکمان بویه و سپاهیان قرار داشت. باین وجود به خاطر خوش گذرانی های خلفا، هزینه ای که صرف دربار و دیوانیان می شد، خیلی بیشتر از دوره خلافت منصور (۱۳۶-۱۵۸ هـ) و هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ هـ)، دو خلیفه ای که در دوران خود توانسته بودند خلافت را به نقطه اوج خود برسانند، رسیده بود. این نشان از ضعف حکومتی، اداری، بی نظمی و بی عدالتی ها از سوی برخی از حاکمان بویه و امیرالامرای هایی بوده است که در این قرون بر عراق مسلط بوده اند. در این دوران بغداد، دوران محنت و مشقت را می گذرانند. چنانکه منابع در مورد این قرن عراق می نویسد: «سرزمین عراق خوش آب و هوا و شگفت انگیز، برگزیده خلیفگان است. بغداد ستوده جهانیان است. نهر آن بی گمان از بهشت است، خرمای بصره فراموش شدنی نیست. ولی جایگاه ستیز و گرانی است و هرروزش پست تر از پیشواز ستم مالیات در رنج، با میوه اندک و فحشای بسیار و هزینه سنگین است.» (مقدسی، ۱۹۰۶: ۱/۱۵۷).

کشاورزی

سرزمین عراق به علت مجاورت با دو رود دجله و فرات از دیرباز موقعیت منحصربه فرد و شاخصی نسبت به مناطق مجاور خود داشته است. دسترسی به آب فراوان در بغداد، تعاملات اقتصادی و بازرگانی را رونق بخشیده که این امر موجب تثبیت موقعیت آن در منطقه می شده است. صادرات محصولات مرغوب و با کیفیتی چون خرما، پارچه، چوب، روغن زیتون، سبزی، مرکبات به سرزمین های اطراف این شهر را زنده، پر نشاط و در معرض توجه قرار می داد. کشاورزی و دامداری دو محور اصلی ارتقاء فرآیند بازرگانی در این دوره محسوب می شده است. در دوره خلفای عباسی، وضعیت عراق در شرایط مناسب تر و بهتری قرار می گیرد. زیرا با حکومت عباسی و همچنین اختیار آن ها در اجرای قوانین مالی

میان مردم مانند گرفتن جزیه، خراج، غنائم جنگ، اقطاع، مصادره اموال و غیره پایه‌های اقتصادی مستحکم‌تر و خزائن حکومت پررونق‌تر می‌گردیده است. مؤکد است که عوامل فوق نهایتاً موجب کاهش فقر، گرسنگی و محرومیت و در نتیجه تأمین سلامت نسبی مردم در منطقه می‌شده است. (مستوفی، ۱۳۸۸: ۷۳). دوران بشکوه سرزمین بغداد در قرن چهارم هجری در دوره خلافت امیرالامرایبی به انحطاط می‌گراید. زیاده‌خواهی سودجویان از موقعیت پیش آمده، شرایط را سخت‌تر و بحرانی‌تر می‌کند. در حقیقت «بی‌توجهی به نهرها سبب طغیان آب و ویرانی ناحیه بادوریا، در قسمت غربی بغداد گردید که منجر به قحطی در این شهر گردید» (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۶/ ۳۵)

صنعت و تجارت

در دوره‌های قبل نیز رودهای بغداد علاوه بر آبیاری زمین‌های کشاورزی، در فعالیت‌های بازرگانی و تجاری مورداستفاده قرار می‌گرفت. از طریق رودخانه فرات کالاهای مختلفی چون انواع چوب، روغن زیتون، پارچه و غیره با قایق یا کشتی حمل و نقل می‌شد. از رود دجله نیز استفاده بازرگانی فراوان می‌شد و سبزی، میوه و مواد غذایی دیگر از نقاط مختلف شهرهای بین‌النهرین حمل می‌گردید. به‌طور کلی شبکه کشتیرانی بین‌النهرین، نقش اقتصادی مهمی داشت (راوندی، ۱۳۶۴: ۵۴۵-۵۴۶). تجارت پویا و اقتصاد زنده بغداد بستر مناسبی را جهت فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در آن فراهم می‌کرد. صنعت کشتیرانی و قایقرانی منجر به مهاجرت عده کثیری از خانواده‌ها به این منطقه می‌شده است. در همین راستا ارزانی کالاها و ابزار اولیه و دسترس بودن لوازمات جانبی موجب رشد مشاغل خانگی و تولید کالاهای دستی و نهایتاً مشارکت بانوان در تولیدات اقتصادی بوده است. مهارت ساکنین این منطقه در بافت و وسایلی چون پرده، عمامه، حریر، قالیچه، صندل و غیره زبان زد عام و خاص قرار می‌گرفت (همدانی، ۱۳۴۹: ۸۵).

مالیات

تا قبل از دوران تسلط آل بویه بر بغداد خلفای عباسی به‌عنوان حاکمان شرعی جامعه اختیار منابع درآمد جهان اسلام را به عهده داشتند، ماوردی در کتاب خود به نام احکام السلطانیه

وظایف خلیفه را به گونه‌ای عنوان کرده است که در اختیار داشتن نظام اقتصادی و درآمد جامعه از راه جزیه، خراج، زکات، مالیات، فیه، غنائم، اقطاع و مصادرات و موارد کلی دیگر، جزء اختیارات خلیفه به شمار می‌رود. (ماوردی، ۱۹۶۰: ۴۲) این موضوع باعث شده بود تا خلفا از درآمد بالایی برخوردار باشند و به همین مناسبت تبدیل به افراد ثروتمندی شدند. همچنین به نقل از ماوردی، وظایف خلیفه به امور دینی و دنیوی مربوط می‌شد. خلفا در این دوران هیچ محدودیتی برای فعالیت‌های مختلف اعم از دینی و دنیوی برای خود قائل نبودند. از ساختن مساجد و مراکز دینی گرفته تا ساخت شهر، قلعه، کاخ، بناهای عام‌المنفعه، کاروانسرا، بازار، حفر قنات و غیره که به هزینه خلفا انجام می‌شده است. در عین حال کاملاً بدیهی بود که این ساخت‌وسازها برای خزانه خلفا درآمد هنگفتی به همراه داشت. این موقعیت اقتصادی در زمان‌هایی که جامعه از ثبات برخوردار بود تثبیت مقام خلیفه را به همراه داشت. اما در مواقعی که جامعه دچار دگرگونی می‌شد، جایگاه خلیفه نیز به تبعیت از آن آسیب می‌دید. از همین رو در قرن چهارم هجری زمانی که در زمینه‌های فکری و اجتماعی دگرگونی انجام و دوگانگی جایگاه خلیفه و سلطان فراهم شد، اولین نمود این دگرگونی در موضوعات اقتصادی، خود را آشکارتر نشان داد. همان گونه که بیان شد، در طول دوران اولیه حکومت عباسیان، خلفا تبدیل به افراد ثروتمندی شدند. آنان با استفاده از قدرت سیاسی توانایی آن را داشتند که بتوانند قدرت کنترل اقتصادی جامعه را در دست داشته باشند. اما با شروع تحولات اجتماعی و به وجود آمدن نظام امیرالامرای خلیفه دچار آسیب و از جایگاه وی کاسته گردید. برای خلفا چاره‌ای جز واگذاری امور که به تبع آن به واگذار اختیارات منجر می‌شد، باقی نماند. این وضعیت که با انتصاب اولین مقام امیرالامرای آغاز شده بود، در زمان معزالدوله به ثمر نشست. خلیفه مجبور شد بسیاری از امتیازات اقتصادی خود را به معزالدوله به‌عنوان امیرالامرای جدید واگذار کند و معزالدوله نیز بسیاری از درآمدهای دیگر خلیفه مانند درآمد ولایات و اراضی کشاورزی منسوب به او را تصرف کرد. درآمد این اراضی که یکی پس از دیگری از نظارت خلیفه بیرون می‌رفت و جز دارایی‌های امیرالامرا قرار می‌گرفت، تا جایی ادامه

پیدا کرد که نوع جدیدی از اقطاع‌داری به نام «اقطاع لشکری و دیوانی» به وجود آمد. به هر حال با توجه به این دستور اکنون امیرالامرا خود را در موقعیتی می‌دید که این امتیاز اقتصادی را به نفع خود مصادره کند (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۱۲۶/۶).

عمران

در زمینه عمران و آبادانی شهر بغداد مقارن ظهور آل بویه در قرن چهارم هـ به علت تسلط امیرالامرای ترک بر خلفای عباسی و همچنین حضور برخی حاکمان بی کفایت بویه در آن، رونق و آبادانی خود را از دست داد و در دورانی که مقدسی از آنجا بازدید می‌کند، شهر ویران است و آبادترین جای آن در محله‌های ربیع و کرخ در کرانه باختری و باب الطاق و دارالامیر در شرق بوده است. (مقدسی، ۱۹۰۶: ۱۶۶).

اقتصاد بغداد در زمان معزالدوله

در قرن چهارم هـ، با روی کار آمدن حکومت آل بویه و برخورداری شیعیان از آزادی نسبی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، آن‌ها توانستند در مشاغل گوناگون مانند کشاورزی، صنعت و تجارت، به مشاغل سیاسی و اداری نیز دست یابند. البته این ثبات ادامه نداشت، زیرا که در اواخر دوران معزالدوله اوضاع اقتصادی بغداد نابسامان گردید و باعث شد بعضی از بنی عباس در حوزه عیاران قرار بگیرند، تا اینکه در سال ۳۵۰ هـ دوره معزالدوله حرکت عیاران به وجود آمد. در زمینه حرکت عیاران باید این چنین عنوان کرد که مردی از بنی عباس در حال مستی، یکی از علویان را به قتل رساند، تا اینکه وزیر مهلبی توانست عیاران و نوظهوران و اصحاب عصیبت را دستگیر کند و آن‌ها را در کشتی قرار داد و از بغداد دور و تبعیدشان کرد (فهمی، ۱۴۱۳: ۱۸۰). در دوران امارت معزالدوله دیلمی در بغداد حقوق بعضی از مشاغل اقتصادی در منابع با توجه به جدول شماره یک، در انتهای جستار تصریح گردیده است.

جدول شماره ۱. حقوق مشاغل سیاسی در دربار معزالدوله

مشاغل سیاسی دربار	حقوق
حقوق قاضی	۴۰۵ درهم
نویسنده	۳۰۰ درهم
پرده‌دار	۱۵۰ درهم
پیش خدمت	۱۰۰ درهم
بایگانی و خزانه‌دار	۶۰۰ درهم

منبع: (شوشتری، ۱۳۳۹: ۱۰۱)

کشاورزی

در دوران معزالدوله با حمایت وی از کشاورزان، در سرزمین عراق، کشاورزی و به تبع آن رشد اقتصادی در گستره وسیع، پیشرفت شایانی کرده بود. چرا که دهقانان با کار و زحمت خلاق خود، دشت‌های بایر را که حکومت در اختیارشان قرار داده بود، به زمین‌های قابل کشت تبدیل کردند. از هندوستان و چین دانه‌ها، بوته، درخت‌های لیمو و پرتقال، دانه‌های پنبه، برنج و غیره آورده و کشت می‌کردند. باید گفت که عراق در این دوران از لحاظ اقتصاد کشاورزی، بازرگانی و تجارت داخلی و خارجی ترقی کرد (دنسکوی، ۲۵۳۵: ۸۲).

صنعت و تجارت

در زمان معزالدوله عراق و شهرهای آن از مراکز تجاری بوده است. به علت قرار گرفتن در کنار دجله و همچنین متصل بودن آن به خلیج فارس، مسیر رفت و آمد بازرگانان و تاجران زیادی بوده است. بصره در دوران معزالدوله دیلمی یکی از بندرهای معتبر شمال خلیج فارس، مرکز تجارت مسلمانان و اعراب منطقه بین‌النهرین و مبدأ مبادلات تجاری در بخش جنوب شرقی به شمار می‌رفت و خط کشتیرانی و کاروان تجارتی از مشرق بصره تا هند و چین امتداد داشت و در لنگرگاه آن همه روزه کشتی‌های زیادی لنگر می‌انداختند و انواع کالاها را وارد و یا صادر می‌کردند. این روابط سبب شده تا توجه به مرزها در

برنامه‌ریزی‌های اقتصادی بخش‌های تولیدی و بازرگانی از اولویت و اهمیت حیاتی و اساسی برخوردار شود. تجارت پویا و رشد اقتصاد بغداد بستر مناسبی را جهت فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی فراهم می‌کرد (زیدان، ۱۳۳۶: ۳۸۳). در این شهر سه بازار قطع الکلا در کنار نهر، بازار بزرگ و باب الجامع دایر بودند و تاجران و سایر مردم برای عبور و مرور از دجله برای فعالیت‌های تجاری و غیرتجاری از زورق (قایق کوچک) استفاده می‌کردند. محصولات صادراتی بصره و دیگر شهرهای آن عبارت بودند از: خرما، حنا، ماهی، خز، پارچه و غیره که به هند، چین، ایران و دیگر بلاد صادر می‌شد و از محصولات وارداتی به بصره در منابع تنها به یخ اشاره شد (مستوفی، ۱۳۸۸: ۷۸).

مالیات

زمانی که معزالدوله در بغداد روی کار آمد، سربازان و همراهان از وی خواستار حقوق شدند و سپاهیان به علت کمی دستمزدها دست به شورش زدند، چنان‌که ابن خلدون آورده است، معزالدوله ناچار گردید از کالاها مالیات بگیرد و اموال مردم را بدون آن‌که وجهی در مقابل آن‌ها پردازد، بگیرد. املاک دولتی و قریه‌ها را به یاران خود اقطاع داد و آن‌ها را از عمال گرفت. سپس دواوین باطل گردید. دیه‌های آباد و پر محصول را سرداران و رؤسا به دست آوردند، که به سبب نفوذ و قدرت آن‌ها بیشتر گردید و ثروتشان افزون‌تر شد. از سوی دیگر اینان در مقابل عاملین خراج مبلغی نمی‌دادند، اما املاکی که در دست دیگران بود، روی به ویرانی نهاده شد. زیرا پیش‌ازاین در اثر غارت عمال و دست‌به‌دست‌گشتن آن‌ها ویران شده بودند و اکنون نیز مورد مطالبه ظالمانه عمال بودند. درعین حال کسی هم به تعمیر پل‌ها و به سامان آوردن جوی‌ها و تقسیم عادلانه آب برای زمین‌ها نمی‌پرداخت. معزالدوله، سرداران و یاران خود را به حمایت از اقطاع و املاک، دستور داد و چنان‌کرد که جمع‌آوری خراج زیر نظر آنان باشد، ولی اهل دواوین و حسابگران همکاری نداشتند و این طرح نیز به نتیجه نرسید. چون جمع‌کردن اموال از راه خراج سالانه میسر نگردید، ازاین‌رو به گرفتن مالیات از کالاها یا ستاندن به‌زور و ستم جای خراج را گرفت. معزالدوله از ذخیره اموال ناتوان گردید. آنگاه برای این‌که، توقعات بی‌جای دیلمان را بکاهد، به

استخدام غلامان ترك كوشيد و برای آنها ارزاق و حقوق تعیین کرد و بر اقطاعانشان افزود. البته این امر باعث حسادت دیلمیان گردید (ابن خلدون، ۱۳۶۰: ۶۵۴-۶۵۳).

هنگامی که معزالدوله به مرزها و قلمروی بصره حمله کرد و آنجا را فتح کرد، مردم به دادخواهی از ستم بریدیان، خاندانی شیعه‌مذهب منسوب به ابو عبدالله محمد بریدی بودند که از (۳۱۶-۳۳۸ هـ) بر واسط، اهواز و بصره فرمان راندند، برخاستند. او آگاهی یافت که ابو یوسف بریدی، از فرمانروایان بریدی به ابوالحسن بن اسد دستور داده بود، که از زمین‌داران بصره، به جای ده یک، حق العشر که مالیات بود، از هر جریب زمین گندم و جو بیست درم دریافت کند. این دستور او را به خاطر گران شدن نرخ‌ها در بصره صادر کرده بود، که قیمت گندم معدل به دویست درم رسیده بود. این دستور کم کم به صورت ثابت درآمد. سال به سال از ستم بریدیان و کارگزارانشان، از آبادانی منطقه کاهش می‌یافت، ولی آنها به اعتبار قیمت‌گذاری‌های پیشین مالیات را مطالبه می‌کردند، در هر صورتی که با کاهش سالانه آبادی، درآمد نیز کم می‌گردید، پس در واقع درصد پرداختی مالیات هر سال از سال گذشته بیشتر می‌شد. چون بصره در اثر محاصره‌ها قحط‌زده شده، مردم را مجبور کردند تا در زیر نخل‌های نخلستان نیز گندم و جو بکارند. چون این کار را کردند مالیات هر جریب را از بیست به چهل درم بالا بردند. این خود نیز از آبادانی کاست، ولی آنها همین روش را ملاک قیمت‌گذاری مالیات قرار دادند. زمانی که ابو محمد مهلبی به وزارت معزالدوله منصوب گردید، به بصره آمد و مردم از قیمت‌گذاری که برای زمین‌های گندم و جو شده بود، به او شکایت کردند، وی وعده همکاری داد، سپس قرار گذاشت که مردم بصره را به رسم قدیم خودشان، ده یک از خود گندم، جو، بدون قیمت‌گذاری انجام شود. سپس مردم قرار مهلبی را پذیرفتند و قرارداد نامه، به مبلغ دو میلیون و دویست هزار درم نوشتند. سپس دویست هزار درم را نیز تخفیف داده، به معزالدوله نوشت که در این معامله هم سود کنونی هست و هم امید به بالا رفتن برداشت در آینده است، معزالدوله نیز آن را پذیرفت. مردم بصره به آبادانی بیشتر پرداختند، درآمد دولت نیز افزایش یافت. همچنین درآمد کشتی نیز افزایش یافت که این موارد از سیاست‌های ابو محمد مهلبی بود

(مسکویه، ۱۳۷۹: ۱۶۷/۶-۱۶۸). یکی دیگر از راه‌های افزایش مالیات توسط معزالدوله به کارگیری زور و توسل به شمشیر بود. همانند حمله به موصل و جنگ با آل حمدان و گرفتن خراج از آنان بود. اما تدبیر دیگر که معزالدوله برای کسب عایدات در پیش گرفت فروش بعضی از مناصب عالی رتبه دولتی مثل منصب قاضی القضایی و محتسبی، در قبال دریافت وجوه سالانه بود. البته در آن زمان مالیات بر ارث با آن چیزی که امروزه معمول است، هیچ گونه همخوانی نداشت. این نوع مالیات بیشتر در مفهوم مصادره بود. دولت هنگام درگذشت افراد ثروتمند، بدون توجه به این که او کسی به عنوان وارث داشته باشد یا نه، دارایی او را می گرفتند. این کار هم بستگی به قدرت حاکم ایالت داشت که بتواند میراث شخص متوفی را مصادره کند. از این رو معزالدوله بدون توجه به اعتراضات وارثان مبنی بر موقوفه بودن بعضی از املاک شخص متوفی، دارایی او را مصادره می کرد (کاهن، ۱۹۷۷: ۶۱).

عمران

معزالدوله از هر سیاستی برای امور اقتصادی و بهبود آن استفاده می کرد. وی به عمران و آبادی بغداد توجه بسیار داشت و در جهت بهبود اقتصاد بغداد اقداماتی را انجام داد. وی تعدادی سد در حوالی بغداد مرمت و احداث کرد که در پی آن، محصولات کشاورزی آن نواحی افزایش و قیمت نان و بسیاری از محصولات کشاورزی کاهش یافت. بیشتر درآمدهای حاکمان عباسی و آل بویه در بغداد که با خراج‌هایی که برقرار می کردند برای مصارفی همچون عمران و آبادانی بود (دوری، ۱۹۷۷: ۲۹۵). در این دوران، آبیاری و صنعت بغداد در دوره آل بویه رونق یافته بود. اکثر مردم به معزالدوله علاقه داشتند. زیرا وی برای پیشرفت، آبادانی و رشد اقتصاد بغداد کار می کرد، او شکستگی رود ریفیل، که به دجله می ریخت و شکستگی بادوریا، در قسمت غربی بغداد را تعمیر کرد. وی برای بستن این شکستگی، خودش راهی گردید، تا همگی سپاهیان از وی پیروی کردند و آن شکستگی را بستند. سپس او به سوی نهر اوانات، در نزدیکی بغداد به سمت تکریت رفته، شکستگی‌های آن‌ها را بست. با بستن شکستگی‌های کاریزها، نهرها و ترمیم قنوات، شهر

بغداد آباد شده، قیمت نان پایین آمد. به این خاطر مردم، آن دوران به معزالدوله علاقه داشتند (حموی، بی تا: ۱/ ۳۵۰). بنابراین می توان گفت وی در بغداد به خاطر امنیتی که برقرار کرد، با آنکه به تشیع منسوب بود، نزد عامه محبوبیت یافت. معزالدوله نیز با تجدید بنای حرم کاظمین دیواری بر دور آن کشید و تعدادی از سربازان دیلم که از اهالی مرو بودند، را مأمور امنیت بخشیدن به شهر گذاشت و همین بنا باعث کثرت و ازدیاد خانه سازی و رونق بازار در اطراف حرم گردید و به علت برقراری امنیت و آسایش، سکونت در آنجا توسعه یافت (آل یاسین، ۱۳۷۱: ۲۷).

از دیگر اقدامات معزالدوله و وزیر وی، ابو محمد مهلبی، بعد از ورود به بغداد ایجاد امنیت در راهها بوده است. مرزها در روابط با کشورهای همسایه نیز تأثیر گذارند و از آنجایی که این حریم های شناخته شده بر اساس پیمان هایی هستند. عاملی مهم برای ایجاد ثبات و آرامش میان کشورها یا اختلافات و منازعات و ادعاهای ارضی کشورها علیه یکدیگر به حساب می آیند. بر همین اساس نیز بخش مهمی از سیاست های خارجی و داخلی کشورها در تبعیت از چگونگی مرزهای مشترکشان با یکدیگر و روابط و موقعیت های متأثر از مرزها شکل گرفته می شوند. اما اقدام معزالدوله در زمینه تصمیمات اقتصادی که منجر به خالی شدن و یا از بین رفتن خزانه معزالدوله گردید، را می توان به موارد زیر اشاره کرد. وی فرمانی به نفع ترکان صادر کرد که موجب طمع آنان در چشم دوختن به دارائی مردم، دست اندازی بر کارها و بی مسئولیتی آنها گردید. او مبلغ استحقاقی ترکان ناشی از آن فرمان وی را به واسطه، اهواز و بصره فرستاد. سپس آنها را دسته دسته، برای دریافت سهم خود و سهم دوستان وابسته به خودشان، که در پایتخت مانده بودند، را می فرستاد. ترکان آن سهم را در آنجا به اقساط روزانه می گرفتند. معزالدوله می خواست به این طریق درآمدی در اختیار ترکان بگذارد، نه آن که حقوق دائمی به آنان داده باشد. این رفتار باعث گردید که ترکان ناراضی شوند، زیرا آنها ترجیح می دادند، مدت مبالغ دریافتی آنها بیشتر شود. ترکان سهم خود را به کالا تبدیل می کردند، سپس به بازرگانی می پرداختند و تا هنگامی که یک دم در دستشان مانده بود، از اصل سرمایه برداشت نمی کردند. مزد

کارگران شان را با تأخیر می‌پرداختند، تا دست خودشان خالی نباشد. بازرگانی با جواز عبور کالا، ندادن مالیات برایشان خوشایند بود. سپس بر کارگران چیره شدند. حمایت خود را بر بازرگانان و هر کس که به آنان پناهنده می‌شد، نیز گسترش دادند و مردم را به بردگی کشیدند (مسعودی، ۱۳۷۷: ۷۳۹/۲). همچنین معزالدوله، در سال ۳۵۰ هـ در محله شماسیه بغداد کاخی برای خود بنا کرد و برای ساخت آن خانه‌های بسیاری را خراب کرد در مقابل آن میدان بزرگی ساخت که در آن پیاده‌روهای زیادی ایجاد و باغ‌های بسیار زیبایی در آن احداث کرد و به خاطر احداث این کاخ بر دروازه‌های هفت گانه شهر مسلط شد و هزینه زیادی برای ساخت این کاخ خرج کرد. البته وی برای ساخت آن شماری از مأموران را نیز جریمه کرد. این طور که از منابع برداشت می‌گردد، به هم‌ریختگی اوضاع اقتصادی بغداد در اواخر دوران معزالدوله موجب گردید بعضی از طرفداران خاندان عباسیان در حوزه عیاران قرار گرفتند، زیرا که در سال ۳۵۰ هـ در نتیجه ایجاد، حرکت عیاران فردی از عباسیان در حالی که مست بود، یکی از علویان را به قتل رساند، تا این که وزیر مهلبی توانست عیاران را دستگیر کند و آن‌ها را در کشتی قرار داد و از بغداد تبعیدشان کرد (تتوی، ۱۳۸۲: ۳/۱۸۷۳).

اقتصاد بغداد در عصر عزالدوله

بعد از معزالدوله در سال ۳۵۶ هـ در بغداد فرزند وی بختیار روی کار آمد و از طرف خلیفه مطیع‌الله عباسی به عزالدوله ملقب گردید. در دوران عزالدوله بحران مالی شدیداً احساس می‌شد به حدی که وی برای جبران و ترمیم این بحران مالی به موصل لشکر کشید (فرای، ۱۳۸۰: ۲۳۰/۴). تا بتواند با غلبه بر حمدانیان خراج سنگینی از آنان بگیرد و به بحران اقتصادی خود سروسامانی بدهد اما شکست خورد. عزالدوله بزرگان دیلم را تبعید کرد و اقطاع را پس گرفت و اموال خویشان و کسانشان را مصادره کرد. در دوران وی، بغداد دچار مشکلات اقتصادی زیادی بود. در آغاز سلطنت عزالدوله، ابوالفضل عباس بن حسین شیرازی برای مدتی وزارت داشت و امور مالی را تحت نظارت داشت. مثلاً عایدات سالانه سواد، واسط، بصره و اهواز در سال ۳۵۸ هـ به ۷۲/۰۰۰/۰۰۰ درهم رسید. اما رقابت بین

ابوالفضل و ابوالفرج محمد بن عباس بن فسانجس (م. ۳۴۲ هـ) جانشین وزیر در بغداد و نفوذ افراد نالایقی بر نابسامانی امور افزود و نظام اقتصادی بغداد در زمان وی وخیم‌تر از دوران معزالدوله گردید (کاهن، ۱۹۷۷: ۶۲)

کشاورزی

دسترسی به آب فراوان در بغداد موجب شده که در دوره معزالدوله زراعت در مناطق مختلف بغداد متنوع گردد. به طوری که می‌توان گفت در سال ۳۴۵ هـ زمین زراعی به هزار جریب افزایش یافت و تولید محصولاتی چون نارنج، گردو، ریاس، بادام، پسته، موز، شاه‌بلوط، بادنجان، خیار، هویج، و نباتاتی چون زعفران، ادویه‌های غذا، طعام، خوراک و غیره افزایش یافت. همچنین از دیگر محصولات کشاورزی بغداد در این دوره می‌توان به این موارد اشاره کرد: خرما، زیتون، انار، هلو، انگور، پنبه، انواع گیاهان، غله و دیگر حبوبات، باقلای بغداد نیز کشت می‌گردید (فهمی، ۱۴۱۳: ۲۲۶).

صنعت

در این عصر متخصصان و صنعتگران در زمینه تولیدات صنعتی در بغداد حضور داشتند. از کالاها و مصنوعات بغداد می‌توان به این موارد اشاره کرد: لباس‌های پنبه‌ای و ابریشمی بغداد که همچون حریرهای شوشتر معروف بود، آبگینه‌های مخروطی، روغن، شراب، حصیر، سقلاطون، جامه‌های سپید مروی، جامه‌ای بلورین محکم، لنگ، دستار، دستمال‌های قیصری، بشقاب‌های چوبین، جام‌ها، آبخوری‌ها، کاسه‌های سنگی و سفالی بزرگ، چرم سیاه، چرم سرخ و غیره در بغداد ساخته و تولید می‌گردید. در یکی از شهرهای بغداد به نام نعمانیه نیز پوشاک، پارچه‌های پشمین عسلی زیبا ساخته می‌شد و همچنین شهر دیگری به نام قصر هبیره از شهرهای بزرگ بغداد نیز مرکز بافندگی بوده است. (مقدسی، ۱۹۰۶: ۱۶۸-۱۶۷)

مالیات

در دوره عزالدوله سال ۳۶۳ هـ در کرخ درگیری شدیدی بین اهل سنت و شیعیان رخ داد که در این درگیری قسمت اعظم کرخ آتش گرفت و حدود سیصد مغازه و بیشتر منازل

مسکونی در آتش سوزانده شد. عزالدوله در زمان شورش ترکان در سال ۳۶۴ هـ مالیات گوسفندان و بزهایی را که حجاج از واسط، به بغداد و بالعکس وارد و خارج می کردند، را لغو نمود، ولی الغای این مالیات از طرف عزالدوله بی فایده بود، چون در آن زمان بغداد کاملاً در اختیار ترکان قرار داشت. به علت سوء مدیریت و عدم کفایت عزالدوله بختیار در اداره امور و اینکه اختیارات را به وزرای ناآگاه و بی لیاقت سپرده بود، اوضاع و شرایط اقتصادی شهر دچار بحران شده است (کبیر، ۱۳۸۱: ۷۱)

عمران

در دوران قبل از عزالدوله در بغداد نهرهای بسیار بود که باغها و بستانهای زیاد، به وسیله آنها آبیاری می گشت. مردم نیز از آن نهرها می آشامیدند. به مرور زمان به دلیل اهمیت ندادن و عدم مرمت، تمام آن نهرها از میان رفت و مردم نیز آب سنگین چاهها را که بیماری زا بود، می آشامیدند یا راهی دور را طی می کردند و با ظرف، آب از دجله می آوردند. (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۳۵/۶)

اقتصاد بغداد در عصر عضدالدوله

در زمان عضدالدوله، درآمد و ثروت مملکت، به نسبت زیادی فزونی یافت. علت عمده این مطلب، گذشته از امساک فوق العاده که وی در خرجهای غیر لازم داشت، امنیتی بود که در شهر و همچنین در راهها ایجاد کرده و باعث رونق تجارت و دادوستد شده بود. رقم درآمد و دیگر عایدات افزایش یافت. به طور کلی درآمد دولت در اواسط قرن چهارم، نسبت به اوایل این قرن و زمان سه خلیفه قبلی که ذکر گردید، نزدیک به شش برابر شد و درآمد سالانه عضدالدوله به ۳۲۲۰۰۰۰۰ هزار دینار یا ۳۲۵۰۰۰۰۰۰ درهم که در آن زمان مبلغ بسیار گزافی بود، بالغ گردید (ابن عبری، ۱۹۵۸: ۲۳۸).

کشاورزی

بخش بزرگی از شهرت عضدالدوله مرهون بازسازی و احیای سیستم آبرسانی بغداد و ایجاد نهرهای متعدد در زمینهای کشاورزی بود. در بغداد نهرهای بسیار بود که باغها و زمینهای کشاورزی، به وسیله آنها آبیاری می گشت. مردم نیز از آن نهرها می آشامیدند و

برای آبیاری مزارع خود به کار می‌بردند. عضدالدوله در عهد حکومت خود، در ترویج کشاورزی و عمران قنات و ساختن آسیاها کوشید. در این عهد، کشت مزروعات قدیم، مانند برنج توسعه یافت و کشت‌های جدید، مانند مرکبات متداول شد. وی عمل آوردن ابریشم را به خود منحصر و به نفع کشاورزان مقررات جدیدی وضع کرد. مسلمانان از نظر تولید انواع محصولات کشاورزی، نه تنها خود کفا بودند، بلکه محصولات خود را به سایر مناطق مجاور صادر می‌کردند. بدین سان، درآمد کشور به نسبت زیادی نسبت به دوره‌های قبلی افزایش یافت (ابن جوزی، ۱۳۴۲: ۱۴ / ۲۹۱).

صنعت و تجارت

مناطق مرزی کشور پیوسته به لحاظ موقعیت جغرافیایی و تاریخی ایجادشده، تأثیراتی در روند ارتباطات و مبادلات مرزی با دیگر کشورها را داشت. موقعیت‌های اقتصادی به وجود آمده خصوصاً در بخش‌های صنعت و تجارت و حتی کشاورزی به دولت آل‌بویه اجازه می‌داد که به لحاظ ایجاد اشتغال و مبادلات بازرگانی و غیره تلاش کند.

در دوران حکومت آل‌بویه به علت توجه و علاقه فراوان حاکمان بویه، تجارت، صادرات و واردات کالاها و محصولات شهرها آسان شده بود. به خصوص در دوره حکومت عضدالدوله دیلمی در بغداد، که در این دوره کالاهایی چون لباس‌های بغداد که همچون حریرهای شوشتر معروف بوده و به خارج بغداد صادر می‌شد. در همین راستا به خاطر دسترسی آسان به لوازم جانبی رشد مشاغل خانگی و تولید کالاهای دستی مانند پارچه، حریر، ابریشم، دستار، ملافه، شلوار، سفال، شیشه، آبگینه‌های مخروطی، به اوج خود می‌رسد. همچنین صادرات محصولات مرغوب و باکیفیتی چون روغن زیتون، معجون، انواع نوشیدنی‌ها، ادویه‌ها و هلو به اقصی نقاط دنیا صورت می‌گیرد. (فهمی، ۱۴۱۳: ۱۸۷).

مالیات

عضدالدوله در اواخر دوران خود رسم غیرعادلانه در مساحت اراضی مزروعی و مالیات فروش کالاها را برقرار داشت. در اواخر دوران وی رسم بر آن شد که از فروش چهارپایان مالیات بگیرند و از بعضی حرفه‌ها ممانعت ورزید و آنان را در انحصار خلافت درآورد.

علاوه بر مالیات‌های مرسوم گذشته، در زمان وی بر چهارپایان، یخ، برف و نوعی ابریشم به نام قز مالیات وضع گردید. از پارچه‌های ابریشمی به میزان ده درصد مالیات گرفته می‌شد. این نوع پارچه‌ها فقط با علامت و مهر اداره مالیات قابل خرید و فروش بود. عضدالدوله در عراق کلیه مقاطعان مالیاتی و مقطعان را برکنار کرد و آن‌ها را به‌طور مستقیم تحت اداره مأموران دیوان درآورد، او اراضی دولتی را با مبنای مساحت و بر اساس عشر و اگذار می‌کرد و از این راه بر میزان درآمد دولت افزود (ابن خلدون، ۱۳۶۰: ۶۵۸/۳). عضدالدوله در عراق کلیه مقاطعان مالیاتی را برکنار کرد و آن‌ها را به‌طور مستقیم تحت اداره مأموران دیوان درآورد، او اراضی دولتی را با مبنای مساحت و بر اساس عشر و اگذار می‌کرد و از این راه بر میزان درآمد دولت می‌افزود و آن را به مبلغ ۹۹/۲۳۸/۰۰۰ درهم رساند یعنی مبلغی که اندکی از درآمد عراق در زمان هارون الرشید کمتر بود. وضع مالیات بر صنایع داخلی و مالیات فروش کالاهایی که مصارف عمومی داشت و در بازارها عرضه می‌شد روشن و بدیهی بود (کاهن، ۱۹۷۷: ۶۳).

عمران

هنگامی که عضدالدوله روی کار آمد، بخش بزرگی از شهرت وی مرهون بازسازی و احیای سیستم آبرسانی بغداد و ایجاد نهرهای متعدد بود. وضعیت عراق در شرایط مناسب‌تری قرار می‌گیرد. عضدالدوله پس از ورود به بغداد دستور داد، تمام نهرهای که از دجله سرازیر می‌گردید، لایروبی و آب را در آن‌ها جاری سازند. همچنین وی در راه بغداد تا مکه هر جا که چاهی انباشته یا بایر شده بود، را قابل استفاده کرد. «عضدالدوله بعد از ورود به بغداد احداث و بازسازی‌هایی را انجام داد که شامل موارد ذیل می‌گردد: باده روهای مشرف بر رودخانه دجله را بازسازی کرد و خانه‌های متروک را به‌صورت باغ درآوردند و پل میانی را که باریک بود، وسعت داد. بیمارستان عضدی را بنا کرد و پزشکان و نگهبانانی را بر انبارهای آن مشخص کرد و آن را با مقداری زیادی دارو و وسایل و تجهیزات دیگر مجهز دیگر ساخت. وی آب‌بند سهیله و آب‌بند یهودان، واقع در کانال نهروان، که دارای شکاف‌هایی بودند و در هنگام طغیان دجله آب را به شهر هدایت

می کردند، را سد کرد و به ثروتمندان فرمان داد تا بندهای خود را تعمیر کنند. وی سدهای بسیار در اطراف دجله ساخت و افرادی را مأمور کرد تا شب و روز در تمام فصول مواظب سدها و رودخانه‌ها باشند، تا مبادا در موقع طوفان و بارندگی و طغیان آب آسیبی وارد آید» (شترک، ۱۹۸۴: ۹۹). عضدالدوله به شهرهای اطراف عراق از جمله کرخ توجه فراوان کرد. منطقه کرخ یکی از مناطق شیعه‌نشین بزرگ بغداد محسوب می گردید و تجار برای خود در این منطقه مغازه می خریدند و به خاطر این بود که قسمت غرب بغداد به نام کرخ شناخته شد. عضدالدوله در واقع هم‌زمان با حرکت‌هایی در دستگاه خلافت به نفع شیعیان نیز قدرت نمای‌های خود را شروع کرده بود. در سال ۳۷۱ هـ در دوره عضدالدوله عمارت زیبایی بر روی مقبره امام علی (ع) ساخته شد که تعداد بسیاری زائر، مجاوران شیعه، طلبه، مهاجر و مردم عادی در این شهر سکونت داشتند و هر گروهی به کارهایی مشغول شده بودند. عضدالدوله در سال ۳۷۱ هـ گنبدی بر روی قبر و رواق‌هایی پیرامون آن ساخت و سپس خانه‌ها و بازارها ساخته شدند. (مکی، ۱۳۸۳: ۱۱۸). عضدالدوله علاوه بر عمران شهرها، در ترسیم جاده‌ها نیز تلاش داشت. وی شرایط مناسبی را جهت فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هموار کرد. عضدالدوله با توجه به امکاناتی که در اختیار داشت، راه شیراز به بغداد را ترمیم کرد (کرمر، ۱۳۷۵: ۳۷۲). در زمان عضدالدوله درآمد و ثروت مملکت، به نسبت زیادی فزونی یافت. علت عمده این مطلب، گذشته از صرفه‌جویی‌هایی که در خرج‌های خود داشت، امنیتی بود که در راه‌ها ایجاد کرده و باعث رونق تجارت و دادوستد شده بود و نیز سدبندی‌ها و دیگر اقدامات او در بالا بردن درآمد مردم و آبادانی کشور اثر به‌سزایی داشت (فقیهی، ۱۳۴۷: ۱۰۶).

جدول شماره ۲. اقدامات حاکمان آل بویه در بغداد از نظر اقتصادی

دوره	کشاورزی	صنعت و تجارت	مالیات	عمران
قبل از آل بویه	محصولات به‌جز خرما کمیاب بود	اکثر محصولات صادر می‌شد	مالیات سنگین خلفا از مردم می‌گرفتند	رونق و آبادانی خود را از دست داد
معالدوله	رشد کشاورزی است زمین‌های بایر آباد گردید و محصولات فراوان بود	خط کشتیرانی فعال و صادرات و واردات انجام	به‌کارگیری زور و توسل به شمشیر برای گرفتن مالیات‌های سنگین	ساختن سد بر روی دجله

می شد			
عزالدوله	تنوع در زراعت و محصولات در مناطق مختلف بغداد وجود داشت	تولیدات پارچه و ظروف سفالی	لغو مالیات‌ها و بخشیدن آن توسط عزالدوله
عضدالدوله	ترویج کشاورزی و کشت محصولات	صادرات پارچه‌های حریر، سفال، ادویه	ایجاد مالیات‌های جدید شامل مالیات بر چهارپایان و افزایش میزان مالیات‌ها
			عمران قنوت و ساختن آسیاها و سدها

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که عنوان گردید، در قرن چهارم هجری امنیت ایجاد شده در مرزها تأثیری در توان اقتصادی و میزان مبادلات بازرگانان کشورهای مختلف با یکدیگر داشت و مشخص گردید که امنیت ایجاد شده در مرزها در دورانی که آل بویه در بغداد روی کار بودند، توان اقتصادی این کشور در زمینه مبادلات بازرگانی، رشد کشاورزی و محصولات و صادرات آن به سایر کشورها را تحت شعاع خود قرار داده بود.

اما اقتصاد بغداد در دوران قبل از آل بویه با توجه به سیاست‌های خلفای عباسی و ضعف و عدم حمایت آن‌ها ضعیف بود. محصولات کشاورزی کمیاب بود. خلفا برای تأمین مالی درآمد دولت مالیات‌های سنگینی را از مردم می‌گرفتند، به طوری که مردم قدرت پرداخت آن را نداشتند. رونق و آبادانی شهر نیز از بین رفته و روبه ویرانی نهاده شده بود، تا این که سیاست تشکیل امیرالامرایی‌ها به وجود آمد. ولی در دوره آن‌ها نیز به خاطر وجود درگیری‌ها و نزاع‌های به وجود آمده اقتصاد ضعیف بود. ولی با ورود آل بویه، خلفای ایرانی به بغداد همچون معزالدوله، عزالدوله و عضدالدوله توجه و اهمیت بیشتری به اقتصاد و افزایش سطح رفاه و آبادانی مردم و جامعه و ارتباط این منطقه با دیگر کشورها از طریق تجارت و بازرگانی داشتند و در این راستا به آبادانی بازارها و کاروان‌سراها و امنیت بخشیدن به راه‌ها جهت تسهیل در روند رفت و آمد کاروان‌های تجاری و بازرگانی

پرداختند. در این دوره توجه به بهبود وضعیت اقتصادی و زندگی مردم، بهره‌برداری بیشتر از محصولات کشاورزی و ساخت صنایع دستی همچون منسوجات را به همراه داشت.

تشکر و قدردانی

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵) تاریخ الکامل، بیروت: دارصادر.
- ۲) ابن العبری، ابوالفرج (۱۹۵۸) مختصر تاریخ الدول، بیروت: مطبعه کاثولیکه.
- ۳) ابن جوزی، ابوالفرج (۱۳۴۲) مناقب بغداد، تصحیح: محمد بهجت الاثری، بغداد: مطبعه دارالسلام.
- ۴) ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۰) العبر، بیروت: دارالفکر.
- ۵) ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۹) مقدمه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶) ابن مسکویه، ابوعلی رازی (۱۳۷۹) تجارب الامم، تهران: سروش.
- ۷) آل یاسین، محمدحسن (۱۳۷۱) تاریخ مالیات از آغاز تا امروز، بی‌جا: موسسه انتشاراتی مشعل.
- ۸) آل یاسین، محمدحسن (۱۳۷۱) تاریخ حرم کاظمین (ع)، ترجمه غلامرضا اکبری، قم: کنگره جهانی امام رضا.
- ۹) پرسکات، جی (۱۳۵۸) گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰) تتوی، قاضی احمد (۱۳۸۲) تاریخ الفی (تاریخ هزارساله اسلام)، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۱) حموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله یاقوت (بی‌تا) معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
- ۱۲) دنسکوی، گریگوری مارکوویچ (۲۵۳۵) تاریخ سده‌های میانه، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: پیام.
- ۱۳) دوری، عبدالعزیز (۱۹۷۷) تاریخ العراق الاقتصادية فی قرن الرابع الهجری، بیروت: بی‌نا.
- ۱۴) الدوری، عبدالعزیز، و دومینیک سوردل (بی‌تا) دارالخلافة بغداد - تاریخ کهن، جغرافیای تاریخی و سرگذشت اولیه بغداد، بغداد: مطبعه العربیه.

- ۱۵) راوندی، مرتضی (۱۳۶۴) تاریخ اجتماعی ایران و حیات اقتصادی ایران از آغاز تا امروز، تهران: امیرکبیر.
- ۱۶) زیدان، جرجی (۱۳۳۶) تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهر کلام، تهران: امیرکبیر.
- ۱۷) شترک، (۱۹۸۴) بغداد، بیروت: مکتبه المدرسه.
- ۱۸) شوشتری، محمدعلی (۱۳۳۹) تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت اسلامی، تهران: بی.نا.
- ۱۹) فرای، ریچارد (۱۳۸۰) تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، تهران: تاریخ نشر فارسی.
- ۲۰) فقیهی، علی اصغر (۱۳۴۷) شاهنشاهی عضدالدوله «چگونگی فرمانروایی عضدالدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در زمان آل بویه»، تهران: انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۲۱) فهمی، سعد (۱۴۱۳) العامه فی بغداد فی القرنین الثالث و الرابع للهجره دراسه فی التاریخ الاجتماعی، بیروت: دارالمنتخب العربی.
- ۲۲) کاهن، کلود (۱۹۷۷) تاریخ العرب و الشعوب الاسلامیه، بیروت: دارالحقیقه.
- ۲۳) کبیر، مفیزالله (۱۳۸۱) آل بویه در بغداد (خلافت در سرپنجه ایرانیان)، ترجمه مهدی افشار، تهران: نشر رفعت.
- ۲۴) کیسی، احمد (۱۴۱۰) فی الفکرالاقتصاد الاسلامی، بغداد: بی.نا.
- ۲۵) کرمر، جوئل (۱۳۷۵) احیای فرهنگی در عهد آل بویه انسان گرایی در عصر رنسانس اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۶) ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۹۶۰) احکام السلطانیه، قاهره: مطبعه البابی حلبی.
- ۲۷) مجهول المؤلف (۱۳۶۱) حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده: تهران: کتابخانه طهوری.
- ۲۸) مستوفی، حمدالله (۱۳۸۸) نزه القلوب، به کوشش: محمددبیرسیاقی، قزوین: نشر حدیث امروز.
- ۲۹) مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۷) مروج الذهب و معادن الجواهر، قاهره: مطبعه السعاده.
- ۳۰) مقدسی، شمس الدین ابو عبدالله محمد (۱۹۰۶) احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، لیدن: مطبعه بریل.

۳۱) مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳) تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه: محمد سپهری، تهران: انتشارات سمت.

۳۲) همدانی، ابن فقیه (۱۳۴۹) مختصر البلدان، ترجمه: ح. مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

۳۳) همدانی، محمد بن عبدالملک (۱۹۶۱) تکملة تاریخ الطبری، بیروت: چاپ البرت یوسف کنعان.

Archive of SID